

سال دوم

جلسه ۴۸

سال تحصیلی ۹۰ - ۹۱

دوشنبه ۹۰ / ۱۰ / ۱۱

اقوال در بحث حروف

قول سوم

حرف و اسم  
در معنا  
با هم مختلف اند

قول دوم

بزرگی نتند  
حرفی نتند  
هم معنا هستند

قول اول

بزرگی نتند  
حرفی نتند  
دارای معنا نیستند

اقوال در بحث حروف

• بررسی شد

نظریه اول:  
نظریه مرحوم نائینی

• بررسی شد

نظریه دوم:  
نظریه مرحوم اصفهانی

• بررسی شد

نظریه سوم:  
نظریه مرحوم عراقی

نظریه چهارم:  
نظریه مرحوم خوئی

قول سوم

حرف و اسم  
در معنا  
با هم مختلف اند

## خلاصه کلام مرحوم خوئی

اسم و حرف با هم تباین «بالذات» دارند (خلافاً للمرحوم آخوند)

### معانی حروف:

- ✓ «ایجادی» نیست (خلافاً للنائینی)
- ✓ «نسبت خارجی» نیست (خلافاً للاصفهانی)
- ✓ «اعراض نسبی» نیست (خلافاً للعراقی)

### معانی حروف عبارت است از:

«تضییق هایی در نفس معانی اسمیه در عالم مفهوم  
و تقیید هایی بر معانی اسمی به وسیله قیودی که از حقیقت آن مفاهیم خارج است»

### علت انتخاب نظریه

اولاً: بقیه سخنان و ادله آنها «باطل» بود

ثانیا: آنچه گفتم در «همه موارد استعمال»، جاری است (به خلاف بقیه مبانی)

ثالثاً : آنچه گفتم با مبانی ما در «تعهد» سازگار است.

رابعاً: آنچه گفتم با «فهم عرفی» مطابق است.

بررسی نسبت «ایجادیت حروف» به مرحوم خوئی

ایشان به صراحت از این امر، دوری می کنند!

مرحوم خوئی : حروف دارای معنای «حکایت گر» هستند و ایجادیت نیستند  
در عین حال «اخطاری» هم نیستند

ملاک «حکایی» بودن : دارای «ثبوتی در عالم معنی» باشد  
و حروف این «ثبوت» را دارا هستند

مرحوم خوئی : حروف «تضییق و تخصیص» را در عالم «اثبات» ایجاد می کنند  
اگر حروف چنین نکنند، معانی اسمیه به توسعه و اطلاق باقی می ماند

ولی این به معنای «ایجادیت» نیست  
چراکه: این ایجادیت در عالم «اثبات» است و نه ایجادیت در عالم «ثبوت»  
چراکه : معلوم می شود در عالم ثبوت، قصد متکلم به افاده معنای محدود بوده است

### جمع بندی

ما در ذهن خود، مفهوم «انسان» را داریم  
ولی : حکمی که می خواهیم جاری کنیم، متعلق به این مفهوم مطلق نیست  
بلکه : می دانیم که این حکم متعلق به «انسان های آسیایی» است

در مقام ثبوت (ذهن متکلم) :  
حروف حکایت گر «مفاهیم مقید» هستند

در مقام اثبات (القاء به مخاطب) :  
مفاهیم مطلق را «مقید» می کنند = یعنی تقید را در الفاظ ایجاد می کنند